



نیلوفر نیک‌بنیاد

را یاد بگیرد. اگر می‌خواهید بفهمید چه کسی خرج آموزش‌های پیپ را می‌دهد یا پیپ چه ماجراهایی را پشت سر می‌گذارد، بهتر است کتاب **آرزوهای بزرگ** را تهیه کنید و بخوانید. مطمئن باشید لذت خواندن بیشتر از شنیدن است؛ مخصوصاً اگر بدانید این داستان کم و بیش از زندگی نویسنده گرفته شده است. بله، چارلز دیکنز معمولاً در تمام آثارش، تجربیات زندگی خودش را هم وارد می‌کرد.

شاید هم همین باعث شد آن قدر داستان‌هایش واقعی و دوست‌داشتنی شوند که او را بعد از شکسپیر، دومین نویسنده بزرگ انگلستان بنامند. او هم مثل شخصیت داستانی‌اش پیپ، در نوجوانی مجبور بود کار کند و وقتی کمی بزرگ‌تر شد، دختری را برای ازدواج انتخاب کرد که او را به خاطر بد بودن وضع اقتصادی و فرهنگی‌اش تحقیر می‌کرد. دیکنز از آن نویسنده‌هایی بود که به معنای واقعی، تکه‌هایی از خودش را لابه لای داستان‌هایش جا می‌گذاشت.

شاید بد نباشد بدانید، چارلز دیکنز وقتی نویسنده‌گی را شروع کرد، رمان‌هایش یکی بعد از دیگری معروف و محبوب شدند. راستی شما می‌دانستید نویسنده «الیور توئیست»، «سرود کریسمس» و «دیوید کاپرفیلد» هم چارلز دیکنز بوده است؟ در طول این ۱۵۰ خردهای سال که از انتشار کتاب **آرزوهای بزرگ** می‌گذرد، از روی آن فیلم‌ها و تئاترهای زیادی ساخته‌اند و این کتاب را به زبان‌های متفاوت ترجمه کرده‌اند. در ایران هم چند نفر آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند؛ مثل **ابراهیم یونسی**، **محسن سلیمانی** و **مهدی سبحانی**. من اگر جای شما بودم، برای اینکه زودتر با خود چارلز دیکنز، پیپ، خانم‌هایش و بقیه شخصیت‌های این کتاب آشنا شوم، این کتاب را تهیه کرده و می‌خواندم.

تا حالا برایتان اتفاق افتاده شخصیتی از یک داستان آنقدر خوب در ذهنتان مانده باشد که اگر کسی را شبیه او ببینید، بگویید: «چقدر شبیه فلانی است؟!». خانم **هاویشام** یکی از این شخصیت‌هاست که سال‌های سال است در ذهن افراد زیادی در سراسر دنیا مانده و آدم‌ها هر وقت یک خانم بداخلاق، لاغر و غرغرو می‌بینند که مدام به دنبال انتقام گرفتن است، می‌گویند: «شبیه خانم‌هاویشام است!». این شخصیت را **چارلز دیکنز** حدود ۱۵۰ سال قبل در رمان «آرزوهای بزرگ» خلق کرد، اما آنقدر خوب و واقعی از کار درآمد که در داستان‌های دیگر و در زندگی روزمره مردم به آن اشاره می‌شود. (هنوز هم می‌شود! معمولاً هر کس یک بار این کتاب را بخواند، خانم‌هاویشام را تا ابد به خاطر می‌سپارد.) اما در اینجا نمی‌خواهم از خانم‌هاویشام برایتان صحبت کنم. در عوض می‌خواهم درباره این کتاب برایتان حرف بزنم. کتاب «آرزوهای بزرگ» که شخصیت اصلی‌اش درست مثل خود شما یک نوجوان است.

پیپ پسر نوجوانی است که پدر و مادرش را از دست داده و همراه خواهر خیلی بداخلاق و شوهرخواهر خیلی دوست‌داشتنی‌اش، زندگی می‌کند. اوایل در کارگاه آهنگری به شوهرخواهرش کمک می‌کند، اما کمی بعد خانم‌هاویشام از پیپ می‌خواهد که گاهی برای سرگرم کردن و هم صحبتی پیش او برود. پیپ از دختری که خانم‌هاویشام به فرزندخواندگی قبول کرده بود، خوشش می‌آید، اما آن دختر، **استلا** که از مادرخوانده‌اش یاد گرفته باید مردها را تحقیر کند، مدام فقر و بیچارگی پیپ را توی سرش می‌زند.

بالاخره پیپ از این وضع خسته می‌شود و تصمیم می‌گیرد برود و راه‌های زندگی کردن و رفتار کردن مثل اشراف زاده‌ها